

کیکج در نسخه‌های خطی

سید محمود مرعشی نجفی

نسخه‌های خطی اسلامی، میراث ماندگار دانشمندان پیشین مسلمان و از ذخایر ارزشمند، ثروت ملی، پشتوانه فرهنگی و مادی هر کشور، و از منابع اصلی پژوهشگران و افتخارات مراکز علمی آموزشی، کتابخانه‌ها و پژوهشکده‌های جهان به شمار می‌آیند.

اینجانب که افزون بر نیم قرن با ذخایر اسلامی و میراث مکتوب آشنا بوده و پیوسته فرصت‌های بسیاری را به بررسی و شناخت این ثروت ملی اختصاص داده‌ام، هنگام فهرست‌نگاری نسخه‌ها، گاهی در برگ‌های آغازین یا پایانی آنها مواجه با یادداشت‌های پراکنده پیرامون مسائل گوناگون و یا ادعیه، اوراد و جزها بوده‌ام، از جمله در مورد خرید نسخه‌ای در مقابل تحویل «نیم من» معادل ۱/۵ کیلوگرم روغن حیوانی یا شیرۀ انگور و یا دیگر اجناس ضروری آن روزگار که معمولاً مردمان آن زمان خریدهای روزانه خود را با اجناس معاوضه می‌نمودند. و یا مطالبی پیرامون جنگ خانمانسوزی که در آن روزگار نویسنده یادداشت در قید حیات بوده، رخ داده است و یا زاد روز یا درگذشت افراد و یا وقف‌نامه‌های بسیار جالبی که از سوی مالکان نسخه‌ها وقف گردیده. از جمله در بخشی از یک وقف‌نامه چنین آمده است: «هر کس در این کتاب جز آنچه که نوشته‌ام، عمل کند و یا در آن دخل و تصرف نماید، مانند فردی است که در روز عاشورا بر خوکی سوار شده و به جنگ حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام می‌رود...». و بسیاری مطالب جالب دیگر که پرداختن به آنها

در این گزارش کوتاه میسر نمی‌باشد. از دیگر سو در برخی از برگ‌های آغازین نسخه‌ها مطالب تاریخی بسیار مهم و جالبی نگاشته شده که گاه راهگشای نکات کور تاریخ است بویژه رخدادهایی که در سده‌های پیشین در برخی از شهرهای کشورمان به وقوع پیوسته، بسیار ارزشمند و دارای اهمیت فراوان می‌باشد، برخی از اینگونه یادداشت‌های تاریخی، سیاسی یا اجتماعی در هیچ یک از منابع موجود نیامده است.

اینجانب هنگام فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم رحمته‌الله سعی دارم تا اینگونه مطالب و یادداشت‌های مهم را هنگام معرفی نسخه‌ها بیاورم؛ زیرا برای بسیاری از پژوهشگران که پیرامون موضوعاتی چون: مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، کتاب‌پژوهی و غیر آنها به تحقیق اشتغال دارند، راهگشا خواهد بود. چنانچه اینگونه یادداشت‌های پراکنده را در یک مجموعه فراهم آوریم، خود کتابی ارزشمند و در خور توجه بسیار خواهد بود.

یکی از موارد بسیار جالب که معمولاً فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی به علت عدم آگاهی یا بی‌توجهی هنگام نسخه‌شناسی به بررسی پیرامون آن نپرداخته و به آسانی از کنار آن گذشته‌اند، کلمه ناآشنا و یا به گفته برخی کلمه جادویی «کَبِکَجْ Kabikaj» است که بر تعدادی از نسخه‌های خطی اعم از فارسی، عربی، ترکی و اردو که در کشورهای کویری و گرمسیری از جمله کشور عزیزمان ایران و کشور هند که به علت دمای بالا و رطوبت بسیار بیش از هر کشور دیگر نسخه‌ها نابود می‌شوند، درج گردیده و در تعدادی دیگر از نسخه‌ها نیز این کلمه که غالباً با حرف ندای «یا» آمده و دو تا هفت بار و در مواردی بیست و چهار بار پیوسته تکرار شده و یا به دنبال آن کلمه دیگری آمده است. از جمله: «یا کَبِکَجْ یا حافظ» «یا کَبِکَجْ ما شاء الله» «یا کَبِکَجْ یا حفیظ یا حفیظ» که بر فراز آن حروف «شرف شمس» آمده: «هو، یا کَبِکَجْ، کَبِکَجْ قطمیر» در پشت هر کتاب که نوشته شود هیچ جانورش نخورد و سرانجام در نسخه‌ای از کتاب «تخریج احادیث الشفاء» موجود در کتابخانه دانشگاه الازهر قاهره در مصر چنین آمده است: «کَبِکَجْ، کَبِکَجْ، کَبِکَجْ، یا کَبِکَجْ إحفظ هذا الكتاب من الارضة و کل شیء یؤذیه».

برخی از منابع کهن که از «کَبِکَجْ» نام برده‌اند عبارتند از: محمد بن زکریا رازی

پزشک برجسته و نامدار ایران زمین متوفی ۳۱۱ ق که در کتاب عظیم الحاوی در طب به بررسی آن پرداخته است. سپس ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی متوفی ۴۵۲ ق در کتاب المائة فی الطب^۱، آنگاه ابن سینا متوفی ۴۲۸ ق در کتاب القانون فی الطب نیز در مورد کلمه کیکج مطالبی آورده‌اند. همچنین ابوریحان بیرونی متوفی ۴۴۰ ق کلمه کیکج را مشتق از کپی «Kapi» هندی که همان سانسکریت است به معنی میمون پنداشته. وی در این باره دو توضیح بدین شرح ارائه نموده است:

نخست: از آنجا که این حیوان «میمون» همیشه بی‌قرار و در حال جَست و خیز می‌باشد، هر کس نیز که این گیاه را لمس کند، بی‌قرار و پر تحرک خواهد شد.
دوم: آنکه میمون این گیاه را دوست دارد و از این رو نام حیوان به این گیاه داده شده است. اما واژه «کَج» «Kaj» به معنای خمیده و مُنحنی است و به سبب ریشه‌های ضخیم و الیافی گیاه و ریشه‌های هوایی پر برگ و خزنده‌ای آن، توصیفی مناسب برای گیاه می‌باشد.

دیگر ابوالخیر اشبیلی از دانشمندان سده ۶ ق در کتاب عمدة الطیب فی علم النبات از کیکج نام برده و مطالبی پیرامون آن نگاشته است. همچنین سید اسماعیل جرجانی متوفی ۵۳۱ یا ۵۳۳ ق در کتاب الأغراض الطیبة و المباحث العلائیة، سپس بکر بن ابراهیم اشبیلی^۲ متوفی ۶۲۸ یا ۶۲۹ ق در فصل پایانی کتاب خویش: التیسیر فی صناعة التفسیر گزارشی ارائه داده. دیگر: عبدالله بن احمد مالقی نباتی معروف به «ابن بیطار» در کتاب الجامع نیز مطلبی نگاشته است.

چند منبع فارسی نیز از کلمه کیکج نام برده‌اند از جمله: محمد بن عبدالخالق بن

۱. بخشی از کتاب المائة در طب که به سال ۵۰۷ هـ. ق کتابت شده، در کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود می‌باشد. این نسخه یکی از کهن‌ترین و نفیس‌ترین نسخه‌های خطی این اثر در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور به شمار می‌آید. کتاب المائة فی الطب معروف به «مائة المسیحی» تألیف ابی سهل عیسی بن یحیی بن ابراهیم المسیحی، متوفی ۴۵۲ ق است. تاکنون دو بار چاپ و منتشر شده که واپسین آن در حیدرآباد هند به سال ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م به تصحیح دکتر سید غوث محی‌الدین قادری شرفی استاد دانشکده پزشکی نظامیه حیدرآباد و حکیم محمد هبه‌الله، که بر اساس یک نسخه خطی کهن مورخ ۵۸۲ ق در کتابخانه ملی پاریس تحقیق و تصحیح شده، منتشر گردیده است.

۲. معمولاً نسخه‌هایی که به خط مغربی کتابت شده‌اند، کلمه کیکج را کاتبان آنها به گونه‌ای مخدوش آورده‌اند، بدین شکل «کیکتج» بکر بن ابراهیم اشبیلی نیز در اثر خود کیکتج ضبط نموده است که صحیح به نظر نمی‌رسد.

معروف از دانشمندان سده ۹ ق در فرهنگ کنز اللغات. نیز سید محمد مؤمن بن محمدزمان تنکابنی از پزشکان سده ۱۲ ق در کتاب تحفه حکیم مؤمن. و محمد پادشاه متخلص به «شاد» در فرهنگ بزرگ آندراج. و بسیاری از منابع فارسی دیگر.

در این گزارش نیز تعدادی از نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم که کلمه کبیج در برگ‌های نخستین یا پایانی آنها نگاشته شده، معرفی می‌شود، بدیهی است به جز این تعداد، نسخه‌های دیگری نیز وجود دارد که کلمه کبیج در آنها نگاشته شده است، لیکن چون تاکنون تمامی نسخه‌های خطی این کتابخانه فهرست نشده‌اند، مشخص نمی‌باشند. و نیز به نمونه‌ای چند از دیگر نسخه‌ها که هم اکنون در برخی کتابخانه‌های بزرگ ایران قرار دارد و این کلمه در آنها آمده، اشاره رفته است.

اینجانب چندی پیش در خصوص این کلمه جالب و ناآشنا به بررسی پرداختم که در ادامه این گزارش به اطلاع علاقه‌مندان خواهد رسید.

«کبیج» معرب کبیگ فارسی است.^۱ برخی چنین پنداشته‌اند که این کلمه جادویی و سحرآمیز فرشته‌ای است موکل بر حشرات^۲ که فرمان می‌دهد تا حشرات نسخه را نابود نسازند. البته این باور بیشتر در مردمان قدیم هند بوده است. اینک نیز در آن کشور تعدادی اندک از افراد قائل به این خرافه می‌باشند.

درود به روان پاک و مطهر مؤسس و بنیانگذار این کتابخانه بزرگ و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، پدر بزرگوارم، پیر روشن ضمیر و مرادم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی^۳ که این مجموعه گرانسنگ و سترگ از میراث مکتوب ماندگار را در طول عمر نود و شش ساله خود با مشقت فراوان از جمله حذف یک وعده غذای روزانه خویش، انجام نماز و روزه استیجاری و جز آنها گردآورد، و سرانجام این سرمایه فرهنگی و ملی را در طبق اخلاص نهاد و به رایگان

۱. مخزن الأدویة. چاپ: هند، ۱۳۰۴ ق. ص ۳۵۱. واژه یاب فرهنگ برابری‌های پارسی واژگان بیگانه. چاپ: تهران، اساطیر، ۱۳۷۳ ش. ج ۳، ص ۱۵۰۰.

۲. فرهنگ جامع آندراج. چاپ: تهران، ۱۳۶۳ ش. ج ۱، ص ۳۳۶۱؛ برهان قاطع. چاپ: تهران، ۱۳۴۲ ش. ج ۳، ص ۱۵۹۲؛ لغت‌نامه دهخدا. ج ۱۱، ص ۱۶۰۰۴؛ فرهنگ بزرگ سخن. تهران، ۱۳۸۱ ش. ج ۶، ص ۵۷۳۶.

به ملت غیور ایران و دیگر ملت‌های مسلمان اهداء نمود تا عصرها و نسل‌ها پیوسته از آن بهره گیرند. همچنین از تمامی علاقه‌مندان درخواست دارم تا چنانچه در مورد کیکج اطلاعاتی در اختیار دارند البته به جز آنچه در این گزارش آمده، اینجانب را آگاه سازند، تا در چاپ بعدی گزارش با ذکر نام ارسال کننده مورد استفاده قرار گیرد، پیشاپیش از راهنمایی آنان تشکر و سپاس دارم.

بر همگان آشکار و مبرهن است: آنچه اکنون به عنوان میراث مکتوب مسلمانان نامیده شده تنها بخشی اندک از آثار و فراورده‌های علمی است که اندیشمندان و عالمان علی‌رغم عدم امکانات اولیه، با جدّ و جهد و مشقّات فراوان در طول قرون و اعصار پدید آورده‌اند. با مراجعه به کتاب‌های تراجم و زندگینامه‌ها و دیگر منابع موجود با انبوهی از آثار مواجه می‌شویم که جز نامی از آنها باقی نمانده و اکنون در دسترس قرار ندارند.^۱ علل و عوامل گوناگون سبب شده‌اند که این حجم عظیم از آثار و اندیشه‌های فرهنگی و تفکرات اندیشمندان پیشین ما در زمره آثار نابود شده به شمار آیند.

در يك تقسیم‌بندی کلی می‌توان این عوامل را به دو دسته تقسیم نمود:
الف) آثار انسانی: تعصبات بی‌جا و کور حاکمان ضدّ فرهنگ، جنگ افروزی‌ها، به آتش کشیدن نسخه‌ها از سوی مغولان و حشی پیرامون سده ۷ ق، گرم کردن خزان‌ها، حمام‌ها با آتش زدن نسخه‌های خطّی مسلمانان، ریختن نسخه‌ها به دریاها و چاه‌های عمیق، و به خاک افکندن این ذخایر باعث شده‌اند که بسیاری از این آثار از دست بروند و نابود شوند.

۱. یک نمونه از آن همه آثار و سرمایه‌های سترگ ملی، کتاب بسیار ارزشمند و مهمّ مدینه العلم ساخته شیخ بزرگوار صدوق[ؒ] است که در حدیث نگاشته و تا اواخر سده ۹ یا نیمه نخست سده ۱۰ ق در دسترس قرار داشته، و از آن پس در جایی یافت نشده، و در منابع مربوط به سده‌های ۹ ق به بعد نام و نشانی از آن نیامده است. مرحوم پدر بزرگوارم بیشتر فهراس نسخه‌های خطّی اسلامی کتابخانه‌های بزرگ جهان را خودشان و یا مترجمان بررسی نمودند، متأسفانه نام این کتاب در هیچ یک از فهراس موجود وجود نداشت. در واپسین سال‌های زندگی آن بزرگ مرد، برخی از عالمان به ایشان اطلاع داده بودند که کتاب مدینه العلم صدوق در کشور یمن وجود دارد. بی‌درنگ آن بزرگوار به اطلاع تنی چند از عالمان زیدی مقیم شهرهای صنعا و تعز که با ایشان ارتباط مکاتبه‌ای داشتند، رساندند تا در کتابخانه‌های آن دیار به جستجو پردازند. متأسفانه علی‌رغم بررسی‌های گسترده، این اثر در هیچ یک از کتابخانه‌های عمومی یا خصوصی یمن به دست نیامد.

به عنوان نمونه، در جریان حمله مغولان در سال ۶۵۶ ق به بغداد بسیاری از نفایس علمی اسلامی از میان رفتند. گوستاولوبون فرانسوی در این باره می‌نویسد:

در حمله مغول به بغداد... حجم انبوهی کتاب را به منظور نابود ساختن به دجله افکندند که بر اثر تراکم شدن آنها پلی پدیدار گشت که سواره و پیاده نظام توانستند از روی آن عبور کنند و آب رودخانه بزرگ دجله بر اثر سیاهی مرکب کتاب‌ها رنگ آن به سیاهی گرایید.^۱

ب) عوامل طبیعی: حوادث غیر مترقبه چون: سیل، زمین لرزه، آتش سوزی، باران‌های سیل آسا، حشرات موذی چون کرم‌ها و سوسک‌های کتابخوار، ویروس‌ها، باکتری‌ها، موریانه‌ها و جز آنها نیز یکی از مهمترین عوامل فرسایش این میراث ملی بوده‌اند. نجاشی در کتاب رجال خود چنین آورده است:

در برخی از منابع تاریخی چنین آمده است: خواهر ابن ابی عمیر هنگام اختفا و حبس برادر خود که چهار سال به طول انجامید، آنها را در جایی نگهداری نمود و در همین مدت کلیه کتاب‌های او از بین رفت. و نقل شده که خواهر او کتاب‌ها را در غرفه‌ای نگهداری نموده بود و به سبب بارش باران شدید موسمی و جاری شدن آب بر روی آنها همه کتاب‌ها نابود گشتند.^۲

به همین دلیل انسان جهت فراهم ساختن بسترهایی به منظور حفظ ذخایر و نسخه‌های خطی خود دست یازید. یکی از این راه‌ها که بیشتر شبیه سحر و جادوست

۱. تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون فرانسوی، ص ۲۱۴، یادآوری می‌شود: نخستین منبعی که این مطلب را نقل نموده، قطب‌الدین محمد بن أحمد النهر والی المکی الحنفی متوفی به سال ۹۸۸ ق می‌باشد که در کتاب: الأعلام بأعلام بیت‌الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفة «تاریخ القطبی» این مطلب را آورده است. نظر به اهمیت موضوع عین عبارت وی را خواهیم آورد که در صفحه ۸۴ و ۸۵ این اثر چاپ نخست در قاهره به سال ۱۳۰۳ ق آمده است: «... فأخذ هو لا کو جميع النقود و أمر بإحراق الباقي، و رماکتب بغداد فی بحر الفرات «دجلة» و كانت لکثرتها جسراً يمرُّون عليها رکباناً و مشاة، و تغيّر لون الماء بمداد الكتابة إلى السواد، و كانت هذه الفتنة من أعظم مصائب الإسلام...» و نیز مانند همین عبارت در چاپ دوم کتاب که به سال ۱۳۷۰ ق از سوی انتشارات مکتبه العلمیه در مکه مکرمه در صفحه ۱۶۳ منتشر شده، آمده است.

۲. رجال النجاشی. قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق. ص ۳۲۶.

نوشت کلمه «کیکج» بر برگ‌های آغازین و پایانی نسخه‌های خطی است. پیشینیان معتقد بودند که با نوشتن عباراتی چون: «کیکج» و «یا کیکج» و «یا حافظ یا کیکج» و امثال آنها کتابشان از دستبرد خطرات و حشرات موذی کتابخوار مصون خواهد ماند. اما به راستی کیکج چیست؟

کیکج چیست؟

کیکج در باور پیشینیان فرشته‌ای موکل بر حشرات بوده که آن را معمولاً بر برگ‌های آغازین یا فرجامین نسخه‌ها می‌نوشتند و در باور آنان بدین‌گونه نسخه‌ها از فرسایش و نابودی مصون می‌مانند.

دیگر از اسناد مکتوب که درباره کیکج وجود دارد سخنی است که بکر بن ابراهیم اشبیلی متوفی به سال ۶۲۹ یا ۶۲۸ هـ در شهر فاس کشور مغرب در فصل پایانی کتاب خود: التیسیر فی صناعة التفسیر درباره استفاده از پرهای پرنده‌ای به نام «هدهد» جهت حفاظت از نسخه‌های خطی آورده است. وی از سوی محمد سمیری متذکر می‌شود، چنانچه کسی بر نخستین یا واپسین برگ از کتابی «یا کیکج» بنویسد، حشرات بدان کتاب هجوم نخواهند برد و از تعرض مصون خواهد ماند.^۱ البته او کلمه «کیکج» را به صورتی تصحیف شده «اکیکتج» آورده است.

پس از این برخی از منابع از ارتباط کیکج با بدو ح^۲ یاد کرده‌اند و آن را گونه‌ای از حرز پنداشته‌اند.

برخی کیکج را پادشاه سوسک‌ها پنداشته‌اند که سوسک‌ها «King cockroach» به سبب احترام به نام پادشاه خود از نابودی کتاب می‌گذرند. در تأیید این نظر مرحوم علامه دهخدا در لغت‌نامه آورده است که اصل این کلمه سریانی است و نام ملکی بوده که بر حشرات فرمان می‌راند است. برخی دیگر آن را از جنیان دانسته‌اند.

۱. التیسیر فی صناعة التفسیر، ص ۴۰ مندرج در مجله «صحيفة معهد الدراسات الإسلامية فی مدريد»، سال ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ میلادی جلد ۷ و ۸ چاپ مادرید در اسپانیا.

۲. کلمه‌ای ساختگی و طلسمی که از عناصر و حروف ابجد تشکیل شده است. این حروف درون خانه‌های یک مربع سه در سه قرار گرفته و برای آن خواصی قائل شده‌اند.

تعدادی دیگر آن را کلمه‌ای رمزی «anathema» دانسته‌اند که نسخه‌های خطی را از کرم‌خوردگی مصون می‌دارد.

اما آن چه بیشتر مورد نظر پژوهشگران و نویسندگان جهان اسلام بوده است خواص دارویی این گیاه می‌باشد. بیشتر دانشمندان و پزشکان مشهور درباره خواص پزشکی این دارو سخن رانده‌اند.

اینک، جهت نمونه تعدادی از کهن‌ترین موارد استعمال آن را بر می‌شماریم:

- محمد بن زکریای رازی (۳۱۱ق) پزشک نامدار ایرانی در کتاب الحاوی.^۱
- حسین بن عبدالله بن سینا (۴۲۸ق) در کتاب القانون.^۲

۱. کتاب الحاوی یکی از معدود دانشنامه‌های بزرگ پزشکی است که تاکنون بخش‌هایی از آن چندین بار به لاتینی ترجمه و منتشر گردیده است، همچنین زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی و غیر آنها ترجمه شده است.

متن اصلی عربی الحاوی چند بار چاپ و منتشر شده است، از جمله در شهر حیدرآباد هند از سوی مؤسسه «دائرة المعارف العثمانية» در بیست و دو جلد و واپسین بار در بیروت چند سال گذشته نیز افزون بر بیست جلد منتشر گردیده است.

۲. متن اصلی عربی کتاب‌های القانون و النجاة ابن سینا به سال ۱۵۹۳ میلادی در شهر رم ایتالیا در چاپخانه معروف: کارینال فردیناندور - مدیچی «Medici» (۱۵۴۹-۱۶۰۹) چاپ و منتشر شده است. این چاپخانه به نام: چاپخانه شرقی مدیچی شهرت داشت و مدیریت آن بر عهده: جوانی باتیستا رایموندی «Giovanni Battista Raimondi» (۱۵۳۶-۱۶۱۴) بوده است. در این چاپخانه کتاب‌های بسیاری به چاپ رسیده و تعداد ۱۰ عنوان نیز از متون اصلی عربی در آن چاپ شده که به جز کتاب‌های قانون و النجاة ابن سینا کتاب‌های: نزهة المشتاق به عربی در جغرافیا تألیف شریف ادریسی به سال ۱۵۹۲ م، و نیز کتاب تحریر اقلیدس از آثار خواجه نصیرالدین طوسی در هندسه که به سال ۱۵۹۴ م منتشر گردیده از آن جمله‌اند؛ این آثار در زمانی چاپ شده است که در کشورهای اسلامی از جمله ایران عصر صفوی، چاپخانه‌ای وجود نداشت. حقیقت این است که انتشار متن اصلی عربی این‌گونه آثار در اروپای افزون بر چهار سده گذشته، اهمیت آثار علمی اسلامی را دو چندان ساخته است. بویژه در پزشکی که مداوای بیماران را قبل از آشنا شدن با آثار پزشکی دانشمندان ایرانی مسلمان از جمله محمد بن زکریای رازی، ابن سینا و دیگران، در اروپای آن روزگار توسط مبلغان مسیحی به صورت جادو انجام می‌دادند. آنگاه با آشنا شدن تدریجی دانشمندان اروپا با آثار دانشمندان مسلمان، بیماران را با استفاده از آن آثار درمان می‌کردند. کتاب القانون ابن سینا نیز قبل از انتشار متن عربی، چندین بار به لاتینی و عبری ترجمه و منتشر گردیده است. همچنین بسیاری دیگر از آثار پزشکی از جمله بخش‌هایی از کتاب الحاوی رازی بارها به لاتینی ترجمه و چاپ شده است. یادآوری می‌شود، ارزش مادی کتاب‌های القانون و النجاة ابن سینا که در رم چاپ شده است کمتر از نسخه‌های نفیس خطی نمی‌باشد. بحمدالله دو نسخه کامل آن و نیز دو نسخه از: نزهة المشتاق و نیز دو نسخه از تحریر اقلیدس که در رم به سال‌های ۱۵۹۲ و ۱۵۹۴ میلادی چاپ شده، در کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته موجود می‌باشد.

- ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی (قرن ۴ ق) در کتاب المائة فی الطب.
 - سید اسماعیل بن حسن جرجانی (۵۳۱ ق) مؤلف اثر مشهور ذخیره خوارزمشاهی در دیگر کتابش: الاغراض الطیبة و المباحث العلائیة.
 - ابی الخیر اشبیلی (قرن ۶ ق)، در عمدة الطیب فی علم النبات.
 - ابن بیطار (۶۴۶ ق) در کتاب الجامع.
 - حبیش تفلیسی در کفایة الطب و تقویم الادویة.^۱
- و جز آنها.

در تمامی منابع موجود که در باره خواص پزشکی گوناگون این دارو مطالبی نگاشته‌اند مشخص است که از دیر زمان در درمان این بیماری‌ها استعمال می‌شده است.

از منظر پزشکی آنها کیکج را چنین توصیف کرده‌اند:

کیکج را اصناف بسیار است:

صنفي برگ آن شبیه به برگ گشنیز و از آن عریض تر و مایل به سفیدی و بارطوبت لزج و گل آن زرد و بنفش و نیز ساقه آن باریک به اندازه یک ذرع، و بیخ آن سفید تلخ و منشعب مانند شعبه‌های خربق و منبت آن قریب آب‌های جاری.

صنف دوم: نیز شبیه به صنف اول و از آن بزرگ تر و بسیار حریف و گل آن بنفش و این را سالتین اغریون نامند.

صنف سوم: نبات آن بسیار کوچک و گل آن زرد و طلایی و کره

الرائحه.

صنف چهارم: نیز شبیه به صنف سوم و گل آن سفید به رنگ شیر.^۲

با توضیحات یاد شده چنین به نظر می‌رسد که خواهیم توانست به منشأ این عقیده خرافی دست یابیم. از آنجا که «کیکج» گیاهی سمی و بدبو و به تعبیر اشبیلی و دیگران از سموم «قتاله» بوده، به نظر می‌رسد گیاه‌شناسان و نسخه

۱. جهت بررسی بیشتر رک: لغات فارسی کفایة الطب تألیف حبیش تفلیسی به همراه بررسی تقویم الادویة

او، علی اشرف صادقی، نامه فرهنگستان، بهار ۱۳۸۰ ش، ش ۱۷.

۲. مخزن الادویة، ص ۳۵۱.

پژوهان به تجربه دریافته بودند که با استفاده از چندین برگ از کبیکج دیگر حشرات موذی به آن کتاب نزدیک نمی‌شوند تا بدان صدمه‌ای برسانند. این رویه علمی بعدها فراموش شده و تنها به صورت عقیده‌ای خرافی پا برجا ماند به گونه‌ای که تصور می‌کردند حتی اگر تنها نام کبیکج را بر روی کتابی بنویسند قدرت دفع حشرات را دارد.

هم اکنون نیز در کشور هند برای محافظت نسخه‌های خطی از حشرات و رطوبت، برگ‌هایی بسیار بدبو و تلخ از گیاهی خاص را در میان برگ‌های نسخه‌ها قرار می‌دهند. اینجانب شخصاً در سومین سفر به هند^۱ درختی تنومند و بلندی را به نام: درخت «نیم» در مرکز خانه فرهنگ ایران در دهلی نو مشاهده نمودم که برگ‌های آن بسیار تلخ و دارندگان نسخه‌های خطی جهت دفع حشرات موذی که نسخه‌ها را به تدریج به فرسایش می‌کشاند از برگ‌های این گونه درخت استفاده می‌کنند، بدین صورت که برگ‌های آن را در لابه‌لای اوراق کتاب‌ها قرار می‌دهند و به علت بوی نامناسب و طعم بسیار تلخ، حشرات موذی از آن دوری می‌جویند.

احتمال دیگری نیز وجود دارد که در گذشته برگ‌های کتاب را با این ماده می‌سرشته و یا بخور می‌داده‌اند تا بنابر خواصش کتاب از تعرض مصون بماند و برای آنکه بدانند بر روی کدام یک از نسخه‌ها این عملیات انجام گرفته است نام کبیکج را به عنوان نشانه روی آن می‌نوشتند. البته پس از گذشت زمان به مرور این رسم به فراموشی سپرده شد و تنها ظاهری از آن باقی ماند.

با همه این احوال بایسته است تا با تجزیه شیمیایی و بررسی دقیق در آزمایشگاه‌های مدرن و پیشرفته مشخص شود که گیاه کبیکج تا چه اندازه در حفاظت نسخه‌ها بویژه کاغذ و مرکب تأثیر پذیر بوده است.

۱. این سفر به دنبال دعوت دانشگاه شهر آگره هند از اینجانب که به مناسبت برگزاری نکوداشت علامه قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید به سال ۱۰۱۹ ق انجام گرفت، از بسیاری کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی هند بازدید به عمل آوردم، مرقد مطهر قاضی نورالله در یکی از خیابان‌های اصلی شهر آگره قرار گرفته و دارای صحن و سرا و دو گلدسته و گنبد می‌باشد، شیعیان آن شهر و دیگر شهرهای هند همه روزه به زیارت مرقد مطهر آن عالمی که در راه دفاع از حریم ولایت شهید شد، مشرف می‌شوند.

پیشینه بحث

پژوهش‌های اندکی که تاکنون درباره کاربرد کیکج در نسخه‌های خطی به فرجام رسیده است چندان پر بار و سودمند نیستند. متأسفانه فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی عموماً به این موضوع بی‌توجهی نشان داده و از بیان آنکه چنین کلمه‌ای در برگ یا برهایی از نسخه در دست معرفی‌شان نوشته شده صرف نظر نموده‌اند. شاید علت آن ناآشنا بودن این کلمه باشد. به همین دلیل بررسی و تحقیق پیرامون آن بسیار مشکل‌تر از دیگر مسائل مربوط به حوزه نسخه‌شناسی Codicology می‌باشد؛ زیرا منابع آن در انبوهی از نسخه‌های خطی مدفون شده و برای بازیابی آنها می‌بایست تعداد فراوانی از آنها را از نو بازبینی کرد. حتی در فرهنگ‌های مربوط به لغات و اصطلاحات نسخه‌شناسی نیز این کلمه از قلم افتاده است. از جمله در کتاب لغات و اصطلاحات فن کتابسازی، از رضا مایل هروی^۱ و واژگان نظام کتاب آرایی از نجیب مایل هروی^۲.

با این حال تاکنون تنها یک مقاله بسیار کوتاه از آدام گاجیک در مجله The use of Kabikaj in Arabic manuscripts, Manuscripts of The middle east, Leiden, 1986, V.1^۳

منتشر شده که به بررسی کیکج پرداخته و بسیار کوتاه و مختصر و چندان قابل استفاده نمی‌باشد. از این گزارش تاکنون دو ترجمه فارسی به چاپ رسیده است. یکی از خواهران فاضله پژوهشگر خانم دکتر نوش آفرین انصاری همسر دوست دیرینم، استاد فرزانه آقای دکتر مهدی محقق، مندرج در مجله کتابداری، دفتر ۱۴، ۱۳۶۸ ش. و دیگری از خانم افسانه منفرد در مجله جهان کتاب. تهران، اردیبهشت ۱۳۸۶ ش، ش ۱۶۹. ص ۲۶.

۱. چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.

۲. چاپ مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.

۳. شماره ۶ از این مجله در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود می‌باشد و به نظر می‌رسد شماره هفتم به بعد آن تاکنون منتشر نگردیده است. البته بیشترین تلاش در جهت انتشار این مجله از سوی «دکتر جان جوست ویتکام» نسخه‌شناس برجسته کتاب‌های خطی اسلامی و رئیس بخش نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه لیدن در کشور هلند انجام گرفته است. وی در سال گذشته بازنشست شده و به احتمال بسیار انتشار این مجله علمی و ارزشمند متوقف گردیده و چنانچه چاپ آن ادامه داشته باشد، اینجانب بی‌اطلاعم.

نسخه‌های کبیکج دار

کبیکج در تعداد بی شماری از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور آمده است، اینک گزارشی از نسخه‌های کبیکج دار در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله را خواهیم آورد:

همان گونه که پیشتر نیز بیان شد ارائه فهرست کاملی از نسخه‌هایی که عبارت کبیکج در آنها آمده نه تنها آسان نیست، بلکه هیچ گاه نمی‌توان آمار دقیق آنها را در تمامی کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور برآورد نمود. از آن رو که بیشتر فهرست‌نگاران بدان بی‌اعتنا بوده و در مشخصات نسخه‌شناسی دستنویس‌های معرفی شده از آن نامی نبرده‌اند.

از دیگر سو در میان معدود نسخه‌هایی که از این کلمه استفاده کرده‌اند نیز نمی‌توان مشخص نمود که این عبارت دقیقاً در چه سالی بر برگ‌های آغازین یا فرجامین نسخه‌ها نوشته شده است. برخی از این دستنوشته‌ها بسیار کهنند ولی کلمه کبیکج آنها با مرکبی مربوط به دو یا سه سده پس از کتابت نسخه نگاشته شده است. بدین جهت برای مطالعه کامل و شایسته درباره قدمت کاربرد این کلمه می‌باید فهرست کاملی از نسخه‌هایی را که این کلمه بر آنها نگاشته شده جمع‌آوری کرد سپس به دسته‌بندی و تحلیل و بررسی آن پرداخت.

با وجود این مشکلات و نارسایی‌ها نسخه‌هایی که در زیر گزارش شده شامل تعدادی نسخه است که در کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله وجود دارند و در برگ یا برگ‌هایی از آنها کلمه کبیکج آمده.

۱. ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، فخرالدین محمد بن حسن بن یوسف حلّی، معروف به فخرالمحققین فرزند برومند علامه حلّی، ش ۲۱۹۲، مورّخ ۹۸۱ق.^۱

۲. مجموعه سیزده رساله در فلسفه و منطق، ش ۴۹۲۶، مورّخ سده ۱۰ و ۱۱ق.^۲

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، ج ۶، ص ۱۸۶-۱۸۷. متأسفانه هیچ یک از این موارد کبیکج را فهرست‌نگار سابق این کتابخانه بزرگ اشاره یا بررسی ننموده است. و ارجاع بدان تنها به منظور دستیابی به دیگر اطلاعات نسخه‌شناسی و کتابشناسی است.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۱۴-۱۱۹.

۳. الوافیة فی شرح الکافیة، رکن الدین حسن بن محمد بن شرفشاه استرآبادی (۷۱۷ ق)،
ش ۴۱۰۱، مورخ ربیع الثانی ۸۵۰ ق.^۱
۴. واضحه البیان لمراتب اهل الفضل والاحسان، سلیمان (سده ۱۲ ق)، ش ۴۱۱۸، مورخ
سده ۱۲ ق.^۲
۵. شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد مصری (۳۶۳
ق)، ش ۴۲۰۲، مورخ ۷ جمادی الاخر ۱۳۱۵ ق.^۳
۶. القاموس المحيط، مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ ق)، ش ۴۵۷۱،
مورخ چهارشنبه ۱۵ ربیع الثانی، ۱۰۹۱ ق.^۴
۷. مجموعه یازده رساله در عروض و دستور زبان، ش ۴۶۴۱، مورخ ۱۱۸۶ ق.^۵
۸. کنز الاسرار و لاقح الافکار، ابو عبدالله محمد بن سعید صنهاجی معروف به ابن مشابذ،
ش ۴۷۶۰، مورخ ۱۱ صفر ۹۸۰ ق.^۶
۹. حاشیه حاشیه الخطائی علی المختصر، شهاب الدین عبدالله بن حسین یزدی (۹۸۱ ق)،
ش ۴۷۷۴، مورخ سده ۱۱ ق. بر نخستین برگ این نسخه چنین آمده: «هو یا کبکج.
در پشت هر کتاب که نوشته شود هیچ جانورش نخورد».^۷
۱۰. حاشیه تحریر القواعد المنطقیه، میر سید شریف علی بن محمد جرجانی گرگانی (۸۱۶
ق)، ش ۵۳۵۶، مورخ سه شنبه ربیع الثانی ۸۶۷ ق در مدرسه محمود پاشا.^۸
۱۱. سته ضروریه، حکیم ولی بن حکیم مطلب گیلانی، ش ۵۴۲۴، مورخ سده ۱۱ ق.^۹
۱۲. مجموعه شامل دورساله: ۱. مجموع الفقه از مؤلفی ناشناخته؛ ۲. تأویل قصص
الانبیاء، از مؤلفی ناشناخته. ش ۵۷۱۱، مورخ ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ ق.^{۱۰}

۱. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۷-۱۱۸.
۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۳۴.
۳. همان، ج ۱۱، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۵-۱۴۶.
۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۸-۲۱۲.
۶. همان، ج ۱۲، ص ۳۲۱-۳۲۲.
۷. همان، ج ۱۲، ص ۳۳۷.
۸. همان، ج ۱۴، ص ۱۳۸.
۹. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۹.
۱۰. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۳. الاغراض الطیبة والمباحث العلائیة، زین الدین اسماعیل بن حسین حسینی جرجانی
گرگانی (۵۳۱ق)، ش ۶۲۰۸، مورخ ۸۹۵ق.^۱
۱۴. ضوابط الاصول، سید ابراهیم بن محمد باقر موسوی حائری (۱۲۶۲ق)، ش ۵۷۴۱،
مورخ ۱۲۵۰ق، در این نسخه عبارت کبیکج به صورت حرزی در یک جدول
چهار در چهار مربع نوشته شده و هر مربع درون آن نیز با خطوط دیگری به دو
مثلث تبدیل شده‌اند و در مجموعه ۳۲ خانه مثلث ترسیم گردیده که در هر کدام
یکی از حروف حرز نگاشته شده است.^۲
۱۵. الفتوحات، سید محمد بن عبدالحسین نجفی جزائری (سده ۱۲ق)، ش ۶۸۴۴، فاقد
تاریخ کتابت.^۳
۱۶. نظام التواریخ، قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی (۶۸۵ق)، ش ۶۸۹۳، مورخ
۷شوال ۱۰۰۰ق.^۴
۱۷. شرح مشکاة المصابیح، ج (۳) به عربی از؟، ش ۷۹۲۴.
۱۸. ضوء المصباح، در نحو به عربی از تاج الدین محمد اسفراینی، مورخ سده ۱۰ق،
ش ۸۰۴۴
۱۹. انوار التنزیل و اسرار التأویل، قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی (۶۸۵ق)، ش
۱۲۵۵۳، مورخ ۹۴۳ق.^۵
۲۰. مشارق الانوار النبویة من صحاح الاخبار المصطفویة، رضی الدین حسن بن محمد
صاغانی (۶۵۰ق)، ش ۱۲۵۶۹، مورخ ذی القعدة ۸۸۳ق.^۶
۲۱. حاشیة المطول، خلخالی، ش ۱۴۴۲۷.
۲۲. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، به عربی، از علامه حلّی، ش ۱۴۶۴۱.
۲۳. مصباح المتهدّد، به عربی از شیخ الطائفه طوسی. نسخه مصحح و هنری ممتاز،
ش ۱۶۸۱۹.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۲۰۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۳۹-۴۰.

۴. همان، ج ۱۸، ص ۸۴.

۵. همان، ج ۳۱، ص ۶۳۳-۶۳۴.

۶. همان، ج ۳۱، ص ۶۵۴.

۲۴. فتاوی ابراهیم شاهی، احمد بن محمد نظام کیکانی (سده ۱۲ ق)، ش ۱۶۸۹۳، مورخ ۱۰۹۳ ق در شهر برهان پور هند. در پشت برگ آغازین این نسخه کلمه یا کیکج سه بار تکرار شده است. با آنکه بیشترین نسخه‌هایی که دارای کیکج هستند مورد تعرض حشرات قرار نمی‌گیرند، ولی این نسخه مورد هجوم حشرات قرار گرفته و فرسوده شده است.
۲۵. مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، زین الدین بن علی عاملی «شهید ثانی» مورخ (۹۶۵ ق)، ش ۱۶۹۲۶.
۲۶. شرح کنز الدقائق، زیلعی، ش ۱۶۹۵۵، مورخ نیمه نخست سده ۹ ق.
۲۷. شرح اللباب فی النحو موسوم به خلاصه الاذکار فی بیان زبده الاسرار فی شرح المشکل وکشف المعضل من کتاب لب الالباب، ش ۱۷۶۲۱، مورخ ۷۷۷ ق.
۲۸. شرح الاسباب والعلامات، نفیس بن عوض حکیم کرمانی (۸۴۲ ق)، ش ۱۷۶۳۰، مورخ ۱۰۱۹ ق، با این عبارات: «یا کیکج، یا حفیظ، یا حفیظ».
۲۹. رمز الحقائق فی شرح کنز الدقائق، ش ۱۷۶۴۱، مورخ ۹۰۸ ق.
۳۰. حاشیه حاشیه الدوانی علی تهذیب المنطق، میر فخرالدین محمد بن حسین استرآبادی حسینی سماکی «سده ۱۰ ق» ش ۱۴۵۸۱/۱، مورخ سده ۱۱ ق.
۳۱. مفتاح تلخیص المفتاح، محمد بن مظفر خلخالی «۷۴۵ ق»، ش ۱۴۴۲۷، مورخ سده ۹ ق.
۳۲. مرآت المستهلین، میرزا مهدی خان صفوی، ش ۱۷۵۷۲.
۳۳. غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، شمس الدین محمد بن شرف الدین مکی مطلبی، مورخ ۹۶۹ ق، ش ۷۷۰۸.
۳۴. الفوائد الضیائیه در شرح کافی ابن حاجب، از عبدالرحمان جامی، ش ۱۶۹۶۹.
۳۵. کتاب: تخریج احادیث الشفاء، به عربی، در کتابخانه دانشگاه الازهر قاهره.
۳۶. برگ آغازین نسخه‌ای به عربی در کتابخانه ایالت «آچه» در کشور اندونزی که ۲۴ بار کلمه کیکج تکرار شده است.
۳۷. دیوان هماد الدین تبریزی، مورخ ۷۳۹ ق. در این نسخه کلمه کیکج در برگ پایانی آمده است.

کیکج در دیگر کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور

(۱) کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۲۶ طباطبایی.

حیوة الحیوان الصغری، کمال الدین محمد بن عیسی دمیری شافعی (۸۰۸ ق)، مورخ ۹۹۳ ق، در صفحه آغازین آن عبارت «یا کیکیج» آمده است.

(۲) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۰۵۵۶.

القاموس المحيط والقابوس الوسیط، محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ ق)، مورخ ۹۶۷ ق. حجة الحرام

(۳) کتابخانه دانشگاه الأزهر در قاهره مصر، تخریج احادیث الشفاء در این نسخه کیکیج چهار بار تکرار شده است، بدین گونه: «کیکیج، کیکیج، کیکیج، یا کیکیج إحفظ هذا الكتاب من الارضة و کل شیء یؤذیه».

(۴) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۰۶۲۲.

مجموعه شامل:

(۱) حاشیه شرح التجرید، از محمد بن حسین سماکی استرآبادی (۹۸۴ ق).

(۲) حاشیه لوامع الاسرار فی شرح المطالع، حبیب الله بن عبدالله باغنوی شیرازی، میرزا جان (۹۹۴ ق). مورخ سه شنبه ۵ صفر، ۱۰۶۵ ق (رساله اول)، مورخ دهه اول صفر، ۱۰۵۸ ق (رساله دوم).

(۳) کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۴۷۷۴.

انساب افغانان، همت خان فرزند رحمت خان، مورخ چهارشنبه ۲۰ ربیع الثانی، ۱۲۲۱ ق.

(۴) کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۲۲۲۱۷.

طبقات الشافعیة الكبرى، عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی سبکی (۷۷۱ ق)، مورخ پنجشنبه غره رمضان، ۱۰۵۹ ق.

(۵) کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۶۴۶۰.

حاشیه المختصر فی شرح تلخیص المفتاح، نظام الدین عثمان بن عبدالله خطایی (سده ۱۰ ق)، مورخ سه شنبه ۱۳ ربیع الثانی، ۱۱۱۴ ق.

(۶) کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۲۸۵۴۲.

فرهنگ جهانگیری، حسین بن حسن اینجو (سده ۱۱ ق)، مورخ سده ۱۲ ق.

(۷) کتابخانه آستان قدس رضوی، ۲۸۰۱۶.

ریاض الفتیان، نظام الدین بن کمال الدین بن حسام الدین هروی، ابن حسام (سده ۸ ق)، مورخ دهه اول ماه رمضان، ۱۰۲۱ ق.

۸) کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۹۹۰۶.

حاشیه المطول، میر سید شریف علی بن محمد گرگانی (۸۱۶ق)، مورخ ۱۰۸۰ق.

کیکج در متون کهن

۱. الحاوی. محمد بن زکریای رازی (۳۱۱ق). ج ۲۱، ص ۱۵۹:

الکبیکج وهو العناب:

قال جالینوس فی السادسة: أنواعه أربعة قوتها كلها حارّة، حريفة، شديدة حتى أنها متى وضعت من خارج أحدثت قروحاً مع وجع. ومتى استعمل به قدر فإنه يقلع الجرب والعلة التي يتقشر معها الجلد والأظفار التي يظهر فيها البياض؛ ويحلل الآثار، وينثر الثاليل المتعلقة والمركوزة التي يحدث فيها إذا أضرها ببرد الهواء وجع شبيه بقرص النمل وينفع من داء الثعلب متى وضع عليه مدة يسيرة؛ وذلك أنه متى ابطا كشط الجلد وأحدث في الموضع قرحة. وهذه الأفعال كلها أفعال ورق هذا النبات. وقضبانه ما دامت طرية متى وضعت من خارج كالضماد فعلت فعله.

و أما أصله إذا هو جفف نفع لتحريك العطاس كمثّل جميع الأدوية الأقوية الاسخان و يجفف وينفع من وجع الاسنان من أنه يفتها لأنه يجففها تجفيفاً قوياً وبالجملة فكلها تجفف وتسخن إسخاناً وتجفيفاً قوياً.

۲. کتاب القانون^۱. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۴۲۸ق). بیروت، اعلمی. ج ۱، ص ۵۲۷:

کیکج:

الماهیة: قال دیسقوریدوس أنواعه أربعة نوع منه يشبه ورق الكزبرة لكنه أعرض من ورقها إلى بياض وزهره أصفر وقد يكون فرفیریا ارتفاعه إلى ذراعین وجذره غیر غلیظ و أصله أبيض و له فروع تشبه فروع الخربق و ینبت عند الشطوط الجارية الماء

۱. نظر به اهمیت کتاب القانون، متن عربی اصلی آن به سال ۱۵۹۳ میلادی در شهر رم ایتالیا در چاپخانه برادران مدیچی با چاپ چوبی در یکصد نسخه چاپ و منتشر گردیده است. این چاپ در جهان بسیار نایاب و تنها در چند کتابخانه بزرگ داخل و خارج کشورمان موجود می باشد. اینجانب به منظور خریداری نسخه ای از این چاپ کتاب القانون، سالها کنکاش نمودم تا سرانجام موفق شدم آن را برای کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم خریداری کنم. هم اکنون در این کتابخانه دو نسخه کامل آن نگهداری می شود.

ونوع منه أكبر من ذلك و أطول جذراً مشطب الأوراق يسمّى كرفس البر و آخر صغير جداً ذهبي اللون و رابع يشبه الثالث إلا أنّ زهره أبيض لبنى.

الطبع: حار يابس في الثانية.

الأفعال و الخواص: كلّها حارّ حادّ مقرح جلاً قشار لذاع للجلد محلل.

الزينة: ورقه و قضبانه قبل أن يبس يقلع البرص و بياض الأظفار و داء الثعلب

بملاقة قليلة.

الأورام و البثور: يقلع الجرب جداً و ينثر الثاليل المسمارية و الغدد المتعلقة

المتأدية بالبرد.

الجراح و القروح: يطبخ و تنطل السفعة بمائها الفاتر فينفع.

أعضاء الرأس: أصولها مجففة من المعطسات القوية و ينفع من الضربان الذي

يعرض للأسنان مسحوقة.

٣. عمدة الطيب في عالم النبات. ابي الخير اشبيلي (سده٦ ق). تحقيق محمد عربى الخطابى. ص

٣١٥-٣١٦:

ونوع من الكرفس يعرف بالبوطل، وهو ستّة أنواع، وصف منها (د) و (ج) أربعة أصناف. أحدها ورقه كورق الكرفس، و بالجملة فإنّ نباته كنبات الكرفس و لا يفرّق بينهما إلا لماهر العارف بهما. و الفرق بينهما إنّما هو في الأصل فقط، و ذلك أنّ أصل الكرفس له شعب رفاق كثيرة تخرج من أصل واحد. و البوطل له أصابع غلاظ في غلظ السبابة و أعظم، تخرج من موضع واحد أيضاً من الأصل كأصل الخربق. و هي طوال، غائرة في الأرض، رخوة، و له ساق ليست بالغليظة، و له زهر أبيض و ربّما مال إلى الفرفيرية، و ذكره (د) في ٢. و (ج) في ٨. و يسمّى (ى) بوطولون. و يعرف عندنا بالبوطل، (عج) بوطلي. و يعرف أيضاً برعى الضفادع و شجرة الضفادع. و يسمّى سالين و ورد الحبّ. (فس) كبيكج. (س) بطراخيون.

و زعم بعض الرواة أنّه قرون السنبل، و ليس به، و هذا النبات خبيث قتال لكلّ حيوان إذا طعمه. منابته بقرب الأنهار و العيون و الأدوية الشتوية. و هو كثير عندنا في وادي أبره. و هذا النوع هو الكبير منها.

٤. كتاب التيسير في صناعة التفسير. بكر بن ابراهيم اشبيلي (٦٢٩ ق). تصحيح عبدالله مكنون، در مجلة معهد الدراسات الاسلامية في مدريد^١. مدريد اسبانيا، ١٩٦٠-١٩٥٩ م. ج ٧-٨، ص ٤٠:

باب طرد الأرضة عن الكتب

بيخر بأعضاء الهدهد وريشه فإنه يقتل الأرضة. و الأرضة بفتح الراء.
وجدت مكتوباً ما نصّه:

و ذكر لي سيدي محمد السميري أنه وجد في بعض الكتب الصحاح أنه من كتب في أول ورقة من الكتاب و في آخر ورقة هذه الأحرف فإن الأرضة لا تضره و هي هذه «يا كيكج» وهي صحيحة مجرّبة.

٥. الجامع. عبدالله بن احمد مالقي نباتي «ابن بيطار» (٦٤٦ ق). بيروت، دارالكتب العلمية. ج ٤، ص ٣٠٣:

كبيكج:

هو كَفّ السبع عند بعض شجاري الأندلس و تعرفه أهل مصر بالبار عللت و هذا اسم بربري.

ديسقوريدوس في الثانية: بطراحيون.

و من الناس من يسمسه شالين أغريون و هو أصناف كثيرة و قوته حادة مفرحة جداً و منه صنف ورقة شبيه به ورق الكزبرة إلا أنه أعرض منه و لونه إلى البياض فيه رطوبة لزجة و زهر أصفر و ربما كان لونه لون الفرير و له ساق ليس به غليظ طوله نحو من الذراع و له أصل صغير أبيض مرّ الطعم و تتشعب منه شعب مثل شعب الخربق و ينبت بالقرب من المياه الجارية.

و منه صنف فخر كثير بالبلاد التي يقال له سردونيا و هو حريف جداً و من الناس من يسميه سالين أغريون.

و منه صنف ثالث صغير جداً رداء الرائحة و لون زهره شبيه بالذهب.

و منه صنف رابع شبيه بالثالث إلا أن لون زهره مثل لون اللبن.

١. نسخة ای از آن چاپ در کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله موجود می باشد. ضمناً نسخه هایی که به خط مغربی کتابت شده، معمولاً کلمه کبیكج را به گونه ای دیگر، بدین صورت: «کیکج» آورده اند که به هیچ وجه صحیح نمی باشد.

جالینوس في ٦: أنواع هذا النبات أربعة وكلها قویة حادّة حريفة شديدة حتّى أنّها إن وضعت من خارج أحدثت قروحاً مع وجع و أما إن استعملها إنسان بعذر فإنها تقلع الجرب و العلة التي يتقشر معها الجلد الأظفار التي يظهر فيها البياض و يحلل الآثار وينثر الثاليل المعلقة و المركوزة التي يحدث بها إذا لقيها برد الهواء و جع شبيه بقرص السمك و ينفع من داء الثعلب إذا وضعت عليه مدّة يسيرة و ذلك أنّها إن أبطت و طال مكثها قشطت الجلد و أحدثت في الموضع قرحة و هذه الأفعال ورق هذه الأنواع و قضبانها ما دامت طرية و إن هي وضعت من خارج كالضماد.

فأما أصلها إن هو جفف و حفظ صار دواء نافعاً لتحريك العطاس كمثّل جميع الأدوية التي تسخن إسخانا قویاً و يجفف.

وينفع أيضاً من وجع الأسنان مع أنّها تفتتها لأنّه يجفف تجفيفاً قویاً. و بالجملة فأنواع الكبيكج كلّها مع أصولها و قضبانها و ورقها تسخن و تجفف إسخانا و تجفيفاً قویاً.

ديسقوريدوس و إذا تضمد بورقه و أغصانه طرية أقرحت بالسمّ و لذلك تقلع تشقق الأظفار و تقشرها و الجرب و النمش و الثاليل التي يقال لها أقر و خوذونس و إذا تضمد به وقتاً يسير الداء الثعلب قلعه و إذا طبخ و صب طبيخه و هو فاتر على الشقاق العارض من البرد نفع منه و أصله إذا جفف و دقّ ناعماً و قرب من المنخرين حرك العطاس و إذا علق في الرقبة خفف من وجع الأسنان ولكنّه يفتتها.

٦. فرهنگ کنز اللغات. محمّد بن عبد الخالق بن معروف (پیرامون سده ٩ ق). تهران، انتشارات مرتضوی. ص ١١١٧:
کبيکج: دارویی است.

٧. تحفه حکيم مؤمن. سيد محمّد مؤمن بن محمّد زمان تنکابنی (پیرامون سده ١٢ ق). تهران، کتابفروشی محمودی. ص ٧٠٦-٧٠٥:

کبيکج یا کف السبع: در اصفهان موسک نامند، و به ترکی ماسیوا چيچکی و آن چهار قسم می باشد و نبات همه شبيه است به گشنيز.

یکی مایل به سفیدی و بارطوبت لزجه و گلش زرد ساقش متوسط در سطربری

و درازی و بیخش تلخ و کوچک و پر شعبه مانند خربق سیاه و منبتش نزدیک آب‌های جاری.

و قسم دیگر شبیه به قسم اول و گلش بنفش و بسیار تند است.
و قسم سوم نباتش بسیار کوچک‌تر و گلش زرد طلایی و بسیار بدبوی.
و قسم چهارم گل آن سفید است و اقسام آن در سیم گرم و خشک و با حدت و محرق جلد و ضماد و تازه او در اندک زمانی موجب جراحی و درد اعضا و با روغن‌ها جهت جرب حیوان و انسان و تقشّر جلد و برص ناخن و اقسام ثالیل و داء الثعلب و نطول مطبوخ او جهت سعفه و بیخ خشک او در عطسه آوردن قوی‌تر از کندش و طلای او از خارج جهت درد دندان و از داخل جهت ریزانیدن آن و حمل او جهت اخراج جنین و مشیمه و احتباس حیض نافع و دو مثقال او کشنده و چون با مثل او آرد گندم خمیر کرده بر عضوی بگذارند نایب مناب داغ است.

۸. فرهنگ جامع فارسی (آندراج). محمد پادشاه متخلص به شاد. تهران، کتابفروشی خیام^۱، ۱۳۶۳ ش. ج ۵، ص ۳۳۶۱.

کیکج: به فتح اول و کاف و سکون جیم در آخر، نوعی از کرفس صحرایی است و آن را به عربی کَف السبع و شجرة الضفادع خوانند و به شیرازی کسن ویران و به صفاهانی موسک گویند و آن از سموم قتاله است. با سرکه، بر داء الثعلب طلا کنند، نافع است. و بعضی گویند به لغت سریانی نام ملکی است موکل بر حشرات.

۹. التذكرة. داوود بن عمر انطاکی (۱۰۰۸ ق). بیروت، دارالکتب العلمية. ج ۱، ص ۲۵۸:
کیکج: قصیر الساق ذهبی الزهر کثیر الرطوبة کریه الرائحة ورقه کورق الکسفرة حادّ الرائحة. حارّ یابس فی الثالثة یقارب الکبر فی أفعاله المذكورة وقد اتّفقا فی خاصية و هی إنه إذا أخذ من أحدهما قدر وزن مع مثله من الدقیق الطیب و مزجاً بالعجین و لطخا علی محل یحتاج لکی کفی عنه.

۱. فرهنگ آندراج نخستین بار در هند منتشر شده و نسخه‌ای از آن در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد. همچنین دومین چاپ آن به صورت حروفی در ۵ جلد در تهران به سال ۱۳۶۳ ش چاپ و منتشر شده است.

۱۰. برهان قاطع. محمدحسین بن خلف تبریزی (سده ۱۱ ق). به اهتمام محمد معین. تهران، کتابفروش ابن سینا، ۱۳۴۲ ش. ج ۳، ص ۱۵۹۲:

کیکیج: به فتح اول و کاف و سکون جیم در آخر، نوعی از کرفس صحرائی است و آن را به عربی کف السبع و شجرة الضفادع خوانند و به شیرازی کسن ویران و به صفاهانی موسک گویند. و آن از سموم قتاله است. با سرکه، بر داء الثعلب طلا کنند، نافع است و بعضی گویند به لغت سریانی نام ملکی است موکل بر حشرات.

۱۱. فرهنگ نفیسی. ناظم الاطباء. تهران، کتابفروشی خیام. ج ۴، ص ۲۷۵۸:
کیکیج: نوعی از کرفس صحرائی که موسک نیز گوید و از سموم قتال است.

۱۲. مخزن الادویه، موسی بن سید عقیل عقیلی (۱۳۰۴ ق)، سنگی، ص ۳۵۱:
کیکیج: به فتح کاف و کسر با و سکون یا مثنات تحتانیه و فتح کاف و جیم معرب از کییکه فارسی است و آن را کف الضبع، و به یونانی بطراخیون و سالتین اغریون، و به اصفهانی موشک، و به ترکی ما استواچچکی، و به هندی جلییل و لستویری نیز، و به فرنگی نتنکل نامند.

ماهیت آن اصناف بسیار است:

صنفی برگ آن شبیه به برگ گشنیز و از آن عریض تر و مایل به سفیدی و بارطوبت لزجه و گل آن زرد و بنفش نیز و ساق آن باریک به قدر یک ذرع و بیخ آن سفید تلخ و منشعب مانند شعبه های خربق و منبت آن قریب آب های جاری.

صنف دویم نیز شبیه به صنف اول و از آن بزرگ تر و بسیار حریف (؟ ظریف) و گل آن بنفش و این را سالتین اغریون نامند.

و صنف سوم نبات آن بسیار کوچک و گل آن زرد و طلایی و کریه الرائحه.

و صنف چهارم نیز شبیه به صنف سوم و گل آن سفید به رنگ شیر.

طبیعت: اصناف آن گرم و خشک و در آخر دوم و در سوم نیز گفته اند.

افعال و خواص: آن حارّ حادّ مقرح و جالی مقشر جلد و لذاع و محکک اعضا الرأس سعوط بیخ خشک آن معطش و قوی تر از کندش، و طلای آن از خارج جهت ضربان اسنان، و سنون آن جهت تفتیت آنها، و نطول مطبوخ آن جهت سعفه الاورام و البثور، و طلای آن جهت قطع جرب و بثور، و ثوالیل آنها و غدد آویخته و ضماد تازه

برگ و شاخ آن تا اندک زمانی موجب جراحت و درد اعضا، و باروغن‌ها جهت جرب انسان و حیوان و قطع برص و بیاض ناخن و اقسام ثوالیل و داء الثعلب. و حمول آن مخرج جنین و مشیمه و رافع احتباس حیض، و دو مثقال آن کشنده. و چون با مثل آن آرد گندم خمیر کنند و بر عضو گذارند نایب مناب داغ است.

از داخل استعمال آن جایز نیست به سبب کمال حدت آن و چون کسی آن را بخورد اعراض او مانند اعراض اسقیل و بزرانجره خورده است و به دستور مداوای آن.

۱۳. لغت نامه دهخدا. ج ۱۱، ص ۱۶۰۰۴:

کیکج: [ك ك] (اسم) نوعی از کرفس صحرايي است و آن را به عربی کف السبع و شجرة الضفادع خوانند و به شیرازی کسن ویران و به صفاهان موسک گویند و از سموم قتاله است. با سرکه، بر داء الثعلب طلا کنند نافع است (برهان) (از آنندراج).

معرب از فارسی است و آن را کف الضبع، و به یونانی بطراخیون و سالتین اغریون، و به اصفهانی موشک، و به ترکی ماستواء چچکی، و به هندی جل و لستوپری نیز، و به فرنگی زنتکل نامند.

اصناف آن بسیار است: صنفی برگ آن شبیه به برگ گشنیز و از آن عریض‌تر و مایل به سفیدی و بارطوبت لزجه و گل آن زرد و بنفش و نیز ساق آن باریک به قدر يك ذرع و بیخ آن سفید تلخ و منشعب مانند شعبه‌های خربق و منبت آن قریب به آب‌های جاری.

صنف دویم نیز شبیه به صنف اول و از آن بزرگ‌تر و بسیار ظریف و گل آن بنفش و این را سالتین اغریون نامند.

و صنف سوم نبات آن بسیار کوچک و گل آن زرد و طلایی و کریه الرائحه. و صنف چهارم نیز شبیه به صنف سوم و گل آن سفید به رنگ شیر (مخزن الادویه). یکی از گونه‌های آلاله که می‌پنداشتند حشرات (از جمله بید) از بوی آن گریزانند.

شقیق. ورد الحب. آلاله ایرانی. آلاله شرقی. کیکج (فرهنگ فارسی معین).

برخی کتب این گونه آلاله را با گونه دیگری از آلاله که به نام «زرد مرغک»^۱ موسوم است یکی دانسته‌اند.^۲

بعضی گویند به سریانی نام ملکی است موکل بر حشرات (برهان) (آندراج). البته نمی‌توان صحت چنین مطلبی را تأیید نمود و ریشه سریانی برای این کلمه نامحتمل است. ۱۴. فرهنگ فارسی. محمد معین. تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۴ ش. ج ۳، ص ۲۸۹۵: کبیکج: kabikaj اسم گیاه. یکی از گونه‌های آلاله که می‌پنداشتند حشرات (از جمله بید) از بوی آن گریزانند؛ شقیق. ورد الحب. آلاله ایرانی. آلاله شرقی. کبیکنج. ضج. برخی کتب این گونه آلاله را با گونه دیگری از آلاله که به نام زرد مرغک موسوم است یکی دانسته‌اند.

۱۵. فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار یا تحقیق درباره کتاب الابنیه عن حقایق الادویه. منوچهر امیری. تهران، بنیاد فرهنگ ایران. ص ۳۱۸: کبیکج (Kabikaj)

RANUNCULUS ASIATICUS (لا)

RENONCULE ASIATIQUE (فر)

کبیکج گرم و خشک است اندر درجه سیم سوزنده است. (الابنیه، بهم ۲۷۶، زل ۲۱۰). جالینوس گوید: کبیکج چهار نوع است و گفته‌اند نام او به لغت هندی مشتق است از کبی به این معنی که کبی حیوانی است که پیوسته در اضطراب باشد و همچنین هر که عضوی از او به کبیکج بسوده شود قرار از او برود (ترجمه صیدنه، ۱۰۴). نباتی است گرم و خشک (اغراض الطیبه، ۶۲۴). هو کف السبع... و من الناس من یسمیه شالبین أغریون و هو أصناف کثیرة (ابن بیطار).

نوعی از کرفس صحرائی است و آن را به عربی کف السبع و شجرة الضفادع خوانند (برهان، دهخدا).

۱. «زرد مرغک - Zard morg - ak» نوعی آلاله «Ranunculus montanus» که در قسمت‌های مرتفع نقاط کوهستانی می‌روید، برف ریم. «فرهنگ معین» ج ۲ - چاپ ۲ سال ۱۳۵۴ ش، ص «۱۷۳۳».

۲. مرحوم دکتر محمد معین گوید: کبیکج معرب «کبیکج» است و به صورت کبیکنج نیز ضبط شده است.

معرب از فارسی است و آن راکف الضبع... نامند. اصناف آن بسیار است: صنفی برگ آن شبیه به برگ گشنیز و از آن عریض تر و مایل به سفیدی و بارطوبت لزجه و گل آن زرد و بنفش... صنف دوم نیز شبیه به صنف اول و از آن بزرگ تر و بسیار ظریف و گل آن بنفش... و صنف سوم نبات آن بسیار کوچک و گل آن زرد طلایی... و صنف چهارم... گل آن سفید به رنگ شیر (مخزن، دهخدا).

یکی از گونه‌های آلاله که می‌پنداشتند حشرات (از جمله بید) از بوی آن گریزانند.

شقیق. ورد الحب. آلاله ایرانی. آلاله شرقی. (فرهنگ فارسی معین، زاهدی).

۱۶. الموسوعة فی علوم الطبيعة. ادوار غالب. بیروت، دارالمشرق، چاپ دوم، ۱۹۸۸ م. ص ۱۳۵۷:

enoncule des fleuristes

کیکج

هو الحوذان الآسیوی، نبات قصیر الساق، کریه الرائحة، أطلبه.

۱۷. واژه یاب فرهنگ برابرهای پارسی واژگان بیگانه. ابوالقاسم پرتو. تهران، اساطیر، ۱۳۷۳ ش. ج

۳، ص ۱۵۰۰:

کیکج: پارسی گشته کبیکه، کبیکگ، یکی از گونه‌های آلاله، از گیاهان.

۱۸. فرهنگ بزرگ سخن. حسن انوری. تهران، سخن، ۱۳۸۱ ش. ج ۶، ص ۵۷۳۶:

کیکج kabikaj، در باور قدما، فرشته موکل بر حشرات، بعضاً در کنار صفحات کتاب‌ها می‌نوشتند «یا کبیکج» و معتقد بودند که از پوسیدن و خورده شدن به وسیله موربانه و دیگر حشرات کتابخوار در امان می‌ماند.

۱۹. واژه‌نامه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی. حسن هاشمی میناباد. تهران، ۱۳۷۹ ش. ص ۹۰:

کیکج (۱) کلمه‌ای رمزی که برای «anathema» حفظ نسخه‌های خطی از کرم خوردگی یا آسیب‌های دیگر در اولین و یا آخرین برگ کتاب نوشته می‌شد.

کیکج (۲) «پادشاه سوسک‌های King cockroach» حمام که تصویر آن را در صفحات اول و آخر دست‌نویس می‌کشیدند تا این حیوانات به احترام پادشاهان از خوردن کتاب منصرف شوند.

منابع:

- الاعلام بأعلام بيت الله الحرام فى تاريخ مكة المشرفة (تاريخ قطبى). قطب الدين محمد بن احمد النهروالى المكي الحنفى. چاپ اول: قاهره، ۱۳۰۳ ق. و مكة مكتبة العلمية. بى تا [۱۳۷۰ ق].
- الاغراض الطبية و المباحث العلائية. سيد اسماعيل جرجانى. تصحيح و تحقيق دكتور حسن تاجبخش. تهران، انتشارات دانشگاه. ۱۳۸۴-۱۳۸۵ ش.
- برهان قاطع. محمد حسين بن خلف برهان تبريزى. به كوشش دكتور محمد معين. تهران، ابن سينا. ۱۳۴۲ ش.
- تحفة حكيم مؤمن يا تحفة المؤمنين. محمد مؤمن حسيني طبيب. با مقدمه زنده ياد مرحوم استاد دكتور محمود نجم آبادى. تهران، مصطفىوى. ۱۳۷۸ ق.
- تذكرة اولى الالباب و الجامع للعجب العجاب. داود بن عمر انطاكى. مقدمه و شرح على شيرى. بيروت، مؤسسة عزالدين. ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
- «تقويم الادوية». جيش تفليسى. به تصحيح على اشرف صادقى. نامه فرهنگستان، ش ۱۷. بهار ۱۳۸۰ ش.
- تمدن اسلام و عرب. گوستاو لوبون فرانسوى. ترجمه سيد محمد تقى فخر داعى گيلانى. تهران، دنياى كتاب. ۱۳۸۲ ش.
- «التيسير فى صناعة التسفير». بكر بن ابراهيم اشبيلى. ۱۹۵۹-۱۹۶۰ م. ج ۷ و ۸ مجلة معهد الدراسات الاسلامية فى مدريد، اسبانيا.
- الجامع المفردات الادوية و الاغذية. ضياء الدين عبدالله بن احمد مالقى اندلسى (ابن بيطار). بغداد، مكتبة المثنى، بى تا.
- جهان كتاب (نشریه)، ش ۱۶۹. اردیبهشت ۱۳۸۶، تهران.
- الحاوى الكبير فى الطب. ابوبكر محمد بن زكريا رازى. حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية. ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م. و بيروت، داراحياء التراث العربى. ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م.
- رجال النجاشى (فهرس اسماء مصنفى الشيعة). احمد بن على بن احمد نجاشى اسدى كوفى. قم، مؤسسه نشر اسلامى. ۱۴۰۷ ق و جامعه مدرسین قم. ۱۴۱۶ ق.
- عمدة الطبيب فى معرفة النبات. ابى الخير اشبيلى. تهران، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكى، طب اسلامى و مكمل. ۱۳۸۴ ش.

- فرهنگ بزرگ سخن. به سرپرستی دکتر حسن انوری. تهران، انتشارات سخن. ۱۳۸۱ ش.
- فرهنگ جامع فارسی آندراج. محمد پاشا (شاد). زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران، کتابفروشی خیام. ۱۳۶۳ ش.
- فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار (کتاب الابنیه عن حقایق الادویه). منوچهر امیری. تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. ۱۳۸۶ ش.
- فرهنگ فارسی. دکتر محمد معین. تهران، امیرکبیر. ۱۳۵۴ ش.
- فرهنگ کنز اللغات عربی - فارسی. محمد بن عبدالخالق بن معروف. قم، مرتضوی. بی تا.
- فرهنگ نفیسی. علی اکبر نفیسی (ناظم الاطباء). با مقدمه محمدعلی فروغی. تهران، کتابفروشی خیام. ۱۳۴۳ ش.
- فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. جمعی از فهرست‌نگاران. مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. ۱۳۰۵ - ۱۳۸۴ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره). سید محمود مرعشی و گروهی از فهرست‌نگاران. قم، همان کتابخانه، جلد (۴) جلد اول بی تا و از جلد (۵) سال ۱۳۵۵ - ۱۳۸۸ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. جمعی از فهرست‌نگاران. تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ۱۳۰۵ - ۱۳۸۸ ش.
- القانون. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (ابن سینا). تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. ۱۳۸۳ ش.
- کتابداری (نشریه)، دفتر ۱۴. ۱۳۶۸ ش تهران.
- کفایة الطب. حبیبش تفلیسی. تحقیق محمد عربی الخطابی.
- لغت‌نامه. علی اکبر دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا. ۱۳۷۷ ش.
- المائة فی صناعة الطب. ابوسهل عیسی مسیحی جرجانی. نسخه خطی مورخ ۵۰۷ ق. نسخه شماره «۵۹۴۶» کتابخانه.
- مخزن الادویه. محمدحسین بن محمدهادی عقیلی علوی شیرازی. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱ ش.
- مخزن الادویه. موسی بن سید.

- الموسوعة في علوم الطبيعة. ادوار غالب. با مقدمة جميل جبر و فؤاد افرام بستاني. بيروت، دارالمشرق. ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ ق.
- واژگان نظام کتاب آرای. نجیب مایل هروی.
- واژه‌نامه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی. حسن هاشمی میناباد. تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۷۹ ش.
- واژه‌یاب (فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه). ابوالقاسم پرتو. تهران، اساطیر. ۱۳۷۳ ش.

- MANUSCRIPTS OF THE MIDDLE EAST A JOURNAL DEVOTED TO THE STUDY OF HANDWRITTEN MATERIALS OF THE MIDDLE EAST EDITED BY JAN JUST WITKAM. VOLUME 1,1986.